

Paradigmatic Convergence and divergence of parties and party activists (Case Study of the Kargozaran Party, Motalefe Eslami, Rouhaniat Mobarez*)

Mansour Tabiee¹
Sina Aminizadeh^{2*}
Mohammad Taghi Iman³

Received on: 2020/03/07
Accepted on: 2020/08/18

Abstract

Currently, one of the pillars of a country's political system is the existence of political parties. Parties have done well so far, especially in developed countries; Because there is a kind of convergence between the political worldview of the party and party activists in these societies, which facilitates the process of political development. Therefore, the present study is an attempt to analyze and compare the ideological and paradigmatic foundations of the parties with the interviews of activists of the three prominent parties after the revolution (Kargozaran, Motalefe Eslami , Rouhaniat Mobarez). The statistical population of the study is all the parties registered in the Ministry of Interior in 1997, among which three parties were selected according to the opinion of the elites. The study method is qualitative content analysis with a directional approach (summary), and maxqda 12 (2018) software is used for analysis. The results show that the parties' ideologies are not in line with the concepts extracted from the interviews of party activists, and in addition, we see a wide paradigmatic confusion in the ideologies and interviews of party activists that none of the parties has used specific ideas and paradigms. Kargozaran party in the statute emphasizes more on a positivist approach; But in interviews with party activists, the role of the interpretive approach is greater. In the case of the Motalefe Eslami Party, the situation is the opposite of the Kargozaran; The share of the positivist paradigm in the statute is less than the interview. And for Rouhaniat Mobarez, the interpretive share in the statute is the opposite of the interviews. Also, all three parties have used a combination of existing paradigms, and none of them has clearly used a specific paradigm; There is a paradigmatic confusion in party interviews and ideologies. Of course, the intellectual principles used in the internal parties have a more secular approach that is not compatible with the concepts claimed by the Islamic system and the intellectual and practical goals of the Islamic Revolution.

Keywords: Parties, Content Analysis, Kargozaran, Motalefe Eslami, Rouhaniat Mobarez, Paradigm.

*The political organization of the Rouhaniat Mobarez (militant clergy) according to the political elites is qualified as a party but has never officially registered with the Ministry of Interior as a party.

1. Assistant Professor, Department of Sociology, Shiraz University.

(Email: m.tabiee@shirazu.ac.com)

2*. PhD Student in Political Sociology, Shiraz University.

(Corresponding author: sinaaminizadeh @ yahoo.com)

3 . Professor, Department of Sociology, Shiraz University. (Email: iman@shirazu.ac.ir)

همگرایی و واگرایی پارادایمی احزاب و فعالان حزبی (مطالعه موردی حزب کارگزاران، موقلفه اسلامی، روحانیت مبارز)

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۲/۱۷

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۵/۲۸

منصور طبیعی^۱

سینا امینی زاده^{۲*}

محمد تقی ایمان^۳

چکیده

در حال حاضر یکی از ارکان توانمندی نظام سیاسی یک کشور وجود احزاب در عرصه سیاست است. احزاب به خصوص در کشورهای توسعه یافته تا کنون به خوبی عمل نموده اند؛ زیرا نوعی همگرایی بین جهان بینی سیاسی حزب و فعالان حزبی در این جوامع وجود دارد که فرایند توسعه سیاسی را هموارتر می کند. لذا پژوهش حاضر تلاشی به منظور تحلیل و مقایسه مبانی فکری و پارادایمی احزاب با مصاحبه های فعالان سه حزب مطرح بعد از انقلاب (موقلفه اسلامی، روحانیت مبارز، کارگزاران) است. جامعه آماری پژوهش تمام احزاب ثبت شده در وزارت کشور تا سال ۹۷ می باشد که سه حزب طبق نظر نخبگان انتخاب گردیده اند. روش بررسی، تحلیل محتوای کیفی با رویکرد جهت دار (تلخیصی) است که از نرم افزار maxqda 12(2018) برای تحلیل استفاده شده است. نتایج نشان می دهد که مرامنامه های احزاب با مفاهیم مستخرج از مصاحبه ها فعالان حزب همراستا نیست و علاوه بر آن شاهد خلط پارادایمی گسترده ای در مرامنامه و مصاحبه فعالان حزبی هستیم که هیچ کدام از احزاب مبانی فکری و پارادایمی مشخصی استفاده ننموده اند. مفاهیم مستخرج از سه حزب مورد بررسی حزب کارگزاران در مرامنامه بیشتر بر رویکرد اثباتی تاکید دارد؛ اما در مصاحبه با فعالان حزبی کارگزاران سهم رویکرد تفسیری بیشتر است. در حزب موقلفه اسلامی شرایط برعکس حزب کارگزاران است؛ سهم پارادایم اثباتی در مرام نامه کمتر از مصاحبه است. در تشکل روحانیت مبارز^۴ نیز سهم تفسیری در مرامنامه برعکس مصاحبه های صورت گرفته است. همچنین در احزاب و تشکلات مورد بررسی هر سه احزاب از ترکیبی از پارادایم های موجود استفاده کرده اند و هیچ یک به صورت مشخص و شفاف از یک پارادایم بهره نبرده اند؛ خلط پارادایمی در مصاحبه و مرامنامه های احزاب وجود دارد. البته مبانی فکری استفاده شده در احزاب داخلی بیشتر دارای رویکردی سکولار هستند که با مفاهیم مدعی نظام اسلامی و اهداف فکری و عملی انقلاب اسلامی سازگار نیست.

واژگان کلیدی: احزاب، تحلیل محتوا، کارگزاران، روحانیت مبارز، موقلفه اسلامی، پارادایم.

۱. (صفحه ۲۰۲-۱۷۳)

۱. استادیار گروه جامعه شناسی دانشگاه شیراز (m.tabicee@shirazu.ac.com)

۲. دانشجوی دکتری جامعه شناسی سیاسی دانشگاه شیراز (نویسنده مسئول: sinaaminizadeh@yahoo)

۳. استادیار گروه جامعه شناسی دانشگاه شیراز (iman@shirazu.ac.ir)

۴. تشکل سیاسی روحانیت مبارز با توجه به ویژگی هایی که نخبگان سیاسی پیرامون حزب بودن مدنظر دارند؛ می تواند جز احزاب قرار گیرد زیرا مختصات حزب بودن را دارا می باشد اما خود تشکل روحانیت مبارز با وجود تاثیرگذاری سیاسی در سطوح کلان و دارا بودن مختصات حزبی اقدامی جهت ثبت شدن در قالب حزب در وزارت کشور ندارد.

مقدمه

همگرایی بین جهان بینی سیاسی فعالان حزبی و حزب در عرصه سیاست دارای اهمیت است؛ زیرا از آنجایی که حزب سیاسی خود ناشی از تحولات عظیم و عمیق ساختاری و اجتماعی است؛ جامعه سیاسی ایران از این قاعده مستثنی نیست و خود حاصل تحولی ساختاری (انقلاب) می باشد. از سویی وجود تنوع در فشار های سیاسی داخلی و خارجی، کشور را نیازمند برقراری هماهنگی در میان اهداف و جهان بینی سیاسی فعالان در عرصه سیاست بخصوص حزب و تشکلات سیاسی می کند. حزب در عرصه های سیاسی از جمله انتخابات توانسته به نوبه خود منشأ تحولاتی بزرگی در جوامع شده و قلب تپنده نظام های سیاسی تبدیل شود. تپش قلب پرتلاطم حزب تحرک و پویایی، گرمی، حرارت درعین حال آرامش و توسعه سیاسی را به پیکره نظام های سیاسی می بخشد. از سوی دیگر حزب سیاسی می تواند به عنوان مغز متفکر نظام سیاسی پیکره امور سیاسی را تحت فرمان واحدی آورد و ناهنجاری، ناهماهنگی بخش های مختلف جامعه را در یک راستا قرار دهد و بکاهد. با تحزب پیکار و رفتار سیاسی آهنگی متناسب یافته و بحران، تنش دائمی و نابسامانی سیاسی جای خود را به ثبات می دهد. در واقع، تحزب می تواند فرهنگ زور و تنش را به فرهنگ مذاکره و تقاضا تبدیل کند (ایوبی، ۱۳۷۹: ۱۴). البته نقش مفید احزاب در جهت ایجاد هماهنگی در عرصه سیاست نیازمند هم جهت بودن و همگرایی دیدگاه فکری فعالان حزبی با ارزش و جهان بینی احزاب و تشکلهای دارد. البته قبل از آن خود حزب باید دارای برنامه و جهان بینی مشخص و مدونی در قالب پارادایم مشخص باشد. در بررسی این پدیده دو متغیر حائز اهمیت هستند؛ حزب و پارادایم.

حزب دارای تعاریف متنوعی است که در این بین جمهوری اسلامی حزب را بر اساس ماده یک مصوب (۱۳۶۰/۶/۷) جمعیت، انجمن، سازمان سیاسی و امثال آنها را تشکیلاتی می داند که دارای برنامه و اساسنامه هستند؛ توسط یک گروه اشخاص حقیقی معتقد به آرمانها و مشی سیاسی معینی تأسیس شده است که اهداف و برنامه های آن به صورت مشخص به اداره کل کشور و کل نظام مربوط می باشد. (شناسنامه تشکل و احزاب جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۷: ۱۱) از دید بارتولینی حزب در هر جامعه دارای نقشی مهم در سیاست است احزاب دارای کارکردهای کلیدی هستند که آن را در عالم سیاست مهم می کند؛ از انسجام و تجمیع منافع، تدوین سیاستها و سازماندهی مجلس و

نمایندگان که همگی از فعالیت‌های مهم احزاب است (بارتولینی^۱، ۲۰۰۱: ۳۲۷). اما پارادایم، قبل از تعریف آن این نکته باید بیان شود که ارتباط علم و فرایند تولید علم با جهان‌بینی بر اساس مجموعه‌ای از پیش‌فرض‌هایی است (هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی و فن بیان) که ریشه در فلسفه آن جهان‌بینی دارد. یعنی این چارچوب (مجموعه هستی‌شناختی، معرفت‌شناختی و فن بیان) تحت عنوان پارادایم علم مشهور است. اساس ایده پارادایم به کوهن^۲ (۱۹۷۰) فیلسوف مشهور علم مربوط است. کوهن در تحلیل خود، پارادایم‌ها را دستاوردهای علمی‌ای می‌داند که در دوره‌ای از زمان مقبولیت عام و عمومی یافته و مدلی برای حل مسئله فراروی جامعه علمی فراهم می‌آورند (کوهن، ۱۹۷۰). در واقع پارادایم یک مدل فکری است که عناصر امور انتزاعی به‌جای امور واقع هستند. در واقع پارادایم عینکی می‌باشد که نحوه نگاه به پدیده‌های موجود در زندگی بشر از جمله علم، سیاست و مواردی از این دست را جهت می‌دهد.

با توجه به تعاریف حزب و پارادایم، برنامه‌ها و اساسنامه‌های سیاسی، علمی، اجتماعی و اقتصادی در هر سرزمین، نشان‌دهنده ماهیت آن نظام و روند توسعه آن است. در واقع با استخراج پارادایم فکری در عرصه‌های مختلف می‌توان خط حرکت جامعه در عرصه‌های گوناگون از جمله سیاسی را کشف کرد. در مطالب قبل ذکر شد؛ قسمتی از پارادایم در قالب فن بیان (رتوریک) مشهود است که در ادبیات و نوشتار برجسته می‌شود. اساسنامه و مرام‌نامه احزاب نشان‌دهنده فن بیان حزب و در نهایت پارادایم غالب حزب هستند. از این رو با شناخت بنیان فکری پارادایمی حزب جهت حرکت حزب و حتی نظام سیاسی و روند توسعه سیاسی را می‌توان استخراج کرد؛ زیرا احزاب و فعالان حزبی جزئی از بدنه نظام سیاسی می‌باشند. باید در نظر داشت در محافل علمی پارادایم‌های تحت عنوان: اثباتی، تفسیری و انتقادی می‌باشند که نگاه به روند توسعه سیاسی از مسیر احزاب از زاویه دید همین پارادایم‌های غالب صورت می‌گیرد. هر یک از این پارادایم‌ها، برای موضوع موردنظر خود به طور مثال علم شکل متفاوتی قائل است؛ به همین دلیل هرکدام از علوم، علم اثباتی، تفسیری و انتقادی مسیرهای متفاوتی در ورود به دنیای اجتماعی و سیاسی دارند. در کنار پدیده حزب روند نگاه به سیاست نیز به همین منوال است؛ بدین نحو که احزابی با رویکرد پارادایمی اثباتی، تفسیری یا انتقادی هدف، ارزش، ادبیات و در نهایت عمل سیاسی متفاوتی دارند.

.....
1 . Bartolini
2 . Kuhn

هویت برنامه‌ها و اساسنامه‌های احزاب در قالب نظام سیاسی متأثر از پارادایمی فکری (اثباتی؛ انتقادی، تفسیری) است که در آن تعریف و عملیاتی می‌شوند. بنابراین بر اساس اعتقاد سیاستمدار حزبی و فعال حزبی به نوع پارادایم برنامه، اساسنامه و مرامنامه متفاوتی برای حزب و به دنبال آن نظام سیاسی تدوین می‌شود. چنانچه کشوری نیز احزاب را به صورت هماهنگ و کارا و با استفاده از افراد متخصص مبتنی بر پارادایم مشخص (اثباتی، تفسیری، انتقادی یا پارادایمی دیگر) به کار گیرد؛ پویایی سیاسی غنی‌تر و اداره آن منظم‌تر است. چنانچه نظامی از پارادایم خاصی استفاده نکند؛ به ناچار از گذشته خود و تجربیات شخصی و گروهی سیاست‌مداران استفاده می‌کند (ایمان، ۱۳۹۲: ۹).

بدین لحاظ اساسنامه‌های احزاب نیز که در قالب نوشتار یا اسناد ارائه می‌گردند؛ واجد مفاهیمی بامعنا هستند. مفاهیم نیز بر اساس سیستم معنایی است که نویسندگان احزاب دارند. در واقع، کنش‌ها و فعالیت‌های اجرایی بر اساس همین مفاهیم نویسندگان و بر اساس جهان‌بینی و پارادایم فکری آنان است. هر فعالیتی از پارادایم خاصی بهره‌بردار؛ به هدف‌های متفاوتی خواهد رسید و به تبع آن نحوه بیان و ادبیات متفاوتی در قالب اسناد خود دارد. مسئله اساسی پژوهش هویت برنامه‌های احزاب است که در چه مسیری (اثباتی، انتقادی، تفسیری) قدم برمی‌دارند؛ زیرا مسیرها و جهان‌بینی‌های متفاوت به برنامه‌های حزبی و فعالیت‌های سیاسی متفاوتی منجر می‌شود. بنابراین برحسب باور احزاب به هر پارادایم (تفسیری، اثباتی، انتقادی) برنامه‌های حزبی مناسب آن برای توسعه سیاسی ارائه می‌گردد. که متناسب با این پارادایم‌گزینی احزاب، نوع ادبیات نوشتاری آن‌ها نیز شکل می‌گیرد. طبق گزارش اداره کل سیاسی وزارت کشور بالغ بر ۲۴۰ حزب به صورت رسمی در کشور بعد از انقلاب اسلامی ثبت شده است. سوال اساسی اینگونه مطرح می‌شود که مختصات پارادایمی اساسنامه احزاب (موتلفه، کارگزاران، روحانیت مبارز) چیست؟ و مختصات پارادایمی مصاحبه‌های فعالان حزبی (موتلفه، کارگزاران، روحانیت مبارز) چیست؟ همچنین همراستایی پارادایمی مصاحبه‌های فعالان حزبی با برنامه‌های و اساسنامه احزاب چگونه است؟

الف) مروری بر پیشینه پژوهش

۱- پژوهش‌های داخلی

نقیب‌زاده (۱۳۸۸) در پژوهشی با عنوان «نوسازی سیاسی و شکل‌گیری احزاب در جمهوری

اسلامی» به ارزیابی فعالیت‌های حزبی ایران بعد از انقلاب پرداخته است. وی نتیجه می‌گیرد احزاب در ایران پس از جمهوری اسلامی بر اساس نظریه هانتینگتون بر طبق جهان‌بینی نوسازی شکل گرفته‌اند.

عباس زاده (۱۳۹۲) در تحقیقی با عنوان «عدم رشد احزاب و تأثیر آن در شکل‌گیری توسعه‌نیافتگی سیاسی پهلوی دوم» بیان می‌کند؛ هدف، بررسی تأثیر توسعه‌نیافتگی احزاب بر ناکارآمدی توسعه سیاسی است. نتیجه می‌گیرد که شکل‌گیری احزاب در دوره پهلوی دوم به صورت طبیعی و خودجوش نبوده است؛ بلکه از بالا و به صورت فرمایشی ساخته شده است.

قلجی (۱۳۹۳) در تحقیقی با عنوان «بازشناسی ناکارآمدی احزاب سیاسی در ایران بر اساس نظریه زمینه‌ای» محقق به دنبال شناسایی عوامل بازدارنده نهادینه شدن تحزب در ایران بعد از انقلاب اسلامی است که یافته‌ها نشان می‌دهد ناکارآمدی احزاب سیاسی در تأمین منافع مردم و ماهیت تمامیت‌خواه ساختار سیاسی قوی‌ترین عوامل تأثیرگذار بر عدم توسعه تحزب در ایران هستند.

مرتضویان (۱۳۹۵) در پژوهشی با عنوان «مشارکت سیاسی و نهادمندی احزاب توده‌گرا در کشورهای جهان سوم» پرسش اصلی را این‌گونه بیان می‌کند که چگونه می‌توان در جوامع جهان سوم، احزاب سیاسی استوار برای حمایت از ارزش‌ها و آرمان‌های ملی، پیشبرد هدف‌های نوسازی و ملی و حفظ انسجام و همگرایی در بین گروه‌های مختلف سیاسی و اجتماعی به وجود آورد؟

۲- پژوهش‌های خارجی

بنویت^۱ (۲۰۰۷) در پژوهشی با عنوان «برآورد موقعیت‌های حزب سیاسی: بررسی مقایسه‌ای، تحلیل محتوا» به برآورد موقعیت احزاب چپ و راست بر اساس بیانیه‌ها و اساسنامه‌های آن‌ها پرداخته‌اند. در نتیجه با بررسی امتیازات حاصل از این تحلیل محتوا و مقایسه احزاب باهم موقعیت احزاب در جامعه‌ی انگلیس را بررسی کردند.

اوکای^۲ (۲۰۱۴) در پژوهشی با عنوان «تغییر در سیستم سیاسی و احزاب» محقق از رویکرد توصیفی تحلیلی بهره می‌برد. وی نتیجه می‌گیرد که تغییر در نظام سیاسی و ساختار سیاسی ناشی از احزاب و خط‌مشی آن‌ها است.

پارک (۲۰۱۸) در پژوهشی با عنوان «تغییرات در سیستم سیاسی احزاب ناشی از درگیری و

1 . Benoit

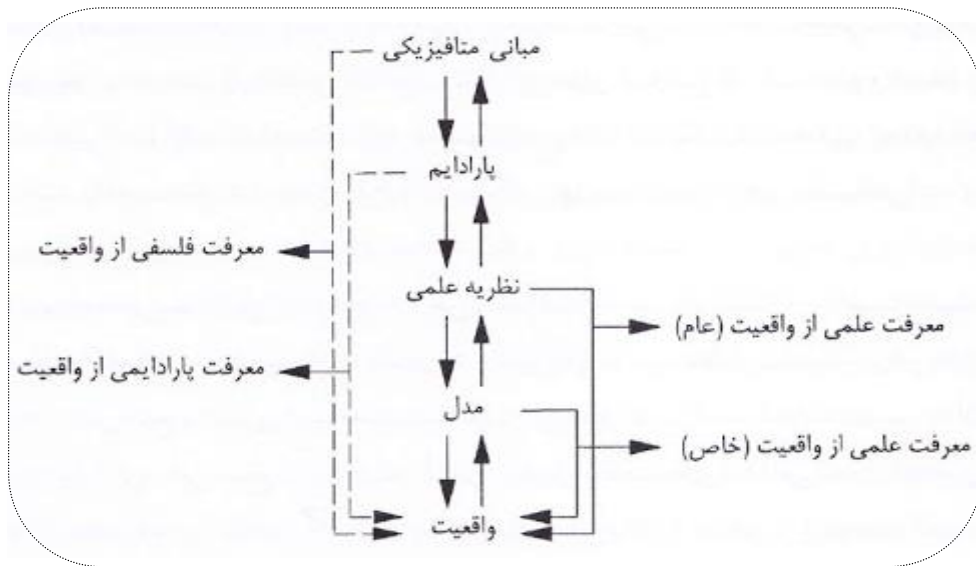
2 . Ockey

برخورد در میان احزاب» به صورت توصیفی - تحلیلی بیان می‌کند که منازعه بین احزاب غیرقابل انکار است. زیرا از دو پارادایم متفاوت هستند و این دو خط‌مشی متفاوت موجب درگیری‌هایی است که خود آن منجر به تغییرات در سیستم احزاب می‌شود.

رینگل^۱ (۲۰۱۸) در پژوهشی با عنوان «ارتباط شفاف و محرمانه: جلوصحنه و پشت‌صحنه احزاب» به بررسی تحلیلی مرزهای احزاب بر طبق تئوری گافمن^۲ پرداخته است. وی معتقد است که فعالیت‌های جلوصحنه با مرزهای مشخصی از پشت‌صحنه جدا می‌شود. این مرزهای فعالیت‌های پشت‌صحنه سیاست را از دید مخاطبان مخفی نگه می‌دارند درواقع آنچه را صلاح بدانند نمایش می‌دهند.

ب) مبانی نظری

در ادامه نظریاتی جهت تحلیل محتوای کیفی جهت دار (ارزیابی پارادایمی) آورده شده است که به رویکرد اثباتی، تفسیری و انتقادی هم جهت است.



نمودار ۱. سلسله مراتب علم

(ایمان، ۱۳۹۰)

1 . Ringel

2 . Goffman

در بررسی واقعیت‌های اجتماعی و سیاسی از مسیرهای مختلف بهره برده می‌شود. در تحقیق حاضر به بررسی پارادایمی احزاب پرداخته شده است. مسیر بررسی مستقیم از پارادایم (تفسیری، انتقادی، اثباتی) به واقعیت مورد نظر (حزب) می‌باشد. هر پارادایمی مختصات خاص خود را دارا می‌باشد که اگر از مسیر آن پارادایم به واقعیت پرداخته شود نتایج متفاوتی خواهد رسید. در زیر مختصات هر پارادایم آورده شده است.

۱- احزاب با رویکرد ساختارگرایانه (پارادایم اثباتی)

در اثبات‌گرایی مسیر ورود به واقعیت اجتماعی را به‌مثابه واقعیت طبیعی طراحی و بازگشایی می‌کند. در این مسیر سعی بر این است که نظریه علمی جهت توضیح و تبیین واقعیت اجتماعی توسط اندیشمندان اثبات‌گرا ساخته شود. شناخته‌شده‌ترین نظریات علمی متکی بر پارادایم اثبات‌گرایی را می‌توان در چارچوب‌های کارکردگرایی و کارکردگرایی ساختی^۱، نظریه انتخاب عقلانی^۲، نظریه مبادله^۳ و نظریه‌های رفتارگرایی دریافت نمود. در این راستا، علم باید به لحاظ منطقی ارزیابی شود؛ از این دید طبیعت، نظام‌یافته است. این نظام‌یافتگی متکی بر روابط علی است؛ طبیعت و نظام‌یافتگی آن را می‌توان کشف کرد (ایمان، ۱۳۹۲: ۴۵) بر همین منوال به نظریاتی که کنه اثباتی دارند در باب احزاب پرداخته خواهد شد. دوزخه از افرادی است که جهان‌بینی اثباتی نسب به احزاب دارد. او بر بعد نهادمندی احزاب که در پارادایم اثباتی نیز مورد تأکید است؛ اشاره دارد. وی پیدایش احزاب سیاسی را حاصل گسترش حق رأی و عمومیت یافتن انتخابات می‌داند. نخستین احزاب سیاسی از دیدگاه وی ریشه در مجالس مقننه دارند و از ادغام کمیته‌های انتخاباتی و گروه‌های مجلسی به وجود آمده‌اند. بر اساس قانون دوزخه، احزاب سیاسی در فرایندی بسیار ساده تشکیل یافته‌اند. در مرحله نخست، سناتورها و نمایندگان همسو در گروه‌های کوچکی تحت عنوان گروه مجلسی در درون مجالس قانون‌گذاری متشکل شدند و در مرحله دوم، پس از توسعه حق رأی در حوزه‌های انتخاباتی کمیته‌هایی برای انجام تبلیغات در ایام انتخابات تشکیل دادند. موریس دوزخه، برای نخستین بار با خط‌مشی اثباتی سازمان حزبی را ملاک تقسیم‌بندی احزاب سیاسی قرارداد و حزب عوام و حزب خواص را از یکدیگر بازشناخت. احزاب عوام، برخلاف احزاب خواص، مبتنی بر حق عضویت

- 1 . Functionalism
- 2 . Rational Choice
- 3 . Exchange

می‌باشند و دارای سازمانی منسجم، سلسله‌مراتبی قوی و تشکیلاتی سازمان‌یافته هستند این موارد ویژگی‌های عمده‌ی رویکرد اثباتی نسبت به وقایع اجتماعی هستند. این در حالی است که احزاب خواص که مبتنی بر سرمایه‌های شخصی رهبران اشرافی و صاحب نفوذ خود می‌باشند، نیازی به چنین تشکیلات گسترده‌ای نمی‌بینند (دووژه، ۱۹۹۵: ۶۷، دووژه، ۱۹۶۵: ۶۰۸).

جدول شماره ۱. احزاب با رویکرد ساختارگرایانه (اثباتی)

نظریه پرداز	مختصات احزاب با پارادایم اثباتی	نوع حزب	رویکرد
میخلز، الدراسولد (۱۹۶۴)، دووژه (۱۹۵۷)(۱۹۶۵)، شارلت (۱۹۷۰)، لارسن (۲۰۱۴)، بوردیو (۱۹۹۶)(۱۹۹۱)	تأکید بر ساختار (جبر ساختاری) تأکید بر نهادگرایی تأکید بر سازمان سلسله‌مراتب فن‌سالاری انسجام سازمانی عضویت رسمی عدم وابستگی به رهبر و شخص گسترده‌گی محیطی و فراگیر بودن ایجاد انضباط سامان‌دهندگی و پیش‌بینی تأکید بر قواعد و قوانین کلی فرهنگ ساختاری	کادر نهادی راست (محافظه‌کار، فاشیسم) عوام خواص کلوپ‌ها فراگیر	ساختاری

۲. احزاب با رویکرد خاستگاه اجتماعی

محققین ضمن توجه به توانایی خود، حضور فعال در مباحث و استفاده از نظریه انتقادی اقدام به شفاف‌سازی و تفسیر نقش اجتماعی می‌نمایند. در این راستا، محقق انتقادی به دنبال مطالعه علمی نهادهای اجتماعی و تحولات آن‌ها از طریق تفسیر معانی زندگی اجتماعی، خصیصه تاریخی سلطه، بیگانگی، تعارضات اجتماعی، نقد اجتماعی و آگاهی کاذب است (ایمان، ۱۳۹۲: ۴۵).

جدول ۲. ویژگی احزاب با رویکرد خاستگاه اجتماعی (انتقادی)

رویکرد	نوع حزب	مختصات احزاب با پارادایم انتقادی	نظریه پرداز
خاستگاه اجتماعی	نژادی جنسیت (فمینیستی) کارگری انقلابی چپ (سوسیال، دموکرات) فاشیست کمونیسست آزادی خواه پیشرفت اجتماعی اتحاد مردم	توانمندسازی فائق آمدن بر محدودیت نقد اجتماع تأکید بر تعارضات آگاهی راستین و کاذب پیکارهای برخاسته از درون جامعه شکاف های اجتماعی تصاحب قدرت استفاده از اعتراض براندازی ساختار و نهاد تغییر خواهی هدفمند ترقی خواه انسان خلاق درعین حال مجبور برابر طلب منافع طبقاتی	مارکس، روکان (۲۰۰۹) ، لویی سیلر (۱۳۷۹)

به نظر می‌رسد؛ سرآغاز تحلیل‌های جامعه‌شناسانه احزاب با رویکرد انتقادی به معنای واقعی آن را باید در تحقیقات عمیق و پراچ محقق نروژی، التین روکان^۱ جویا شد. به اعتراف بسیاری، روکان مطالعات احزاب را وارد مرحله جدیدی نمود و اگر نگوییم جامعه‌شناسی احزاب سیاسی با او آغاز شده است، به‌طور قطع باید گفت جامعه‌شناسی احزاب با آثار التین روکان به‌ویژه در کتاب معروف خود تحت عنوان «شهروند، انتخاب و احزاب سیاسی» وارد مهم ترین مرحله خود شده است. روکان در روکان در مطالعات خود به ویژگی‌های می‌پردازد که رویکردی انتقادی محور دارد او از تنازعات و ستیزهای موجود در جامعه آغاز می‌کند و احزاب سیاسی را نتیجه شکاف‌های نهفته در متن جامعه می‌داند. بدین ترتیب، برای بررسی احزاب باید قبل از آنکه به سازمان و یا کارکرد آن پرداخت؛ از شکاف‌های اجتماعی و ستیزها و تنازعات اجتماعی آغاز نمود؛ چراکه احزاب سیاسی ریشه در شکاف‌های موجود در اجتماع دارند و در حقیقت سخنگوی آن‌ها هستند. در نتیجه روکان

1 . Rokkan

برای بررسی احزاب سیاسی در اروپای غربی مطالعات خود را از جامعه غرب و تحولات عمیقی که منشأ شکاف‌های موجود در این جوامع است آغاز نمود. حال سوالات بنیادی این دیدگاه این است که منشأ نخستین شکاف‌های اجتماعی و صف‌آرایی گروه‌های مختلف اجتماعی در مقابل هم چگونه در اروپای غربی پدیدار شد؟ چگونه این شکاف‌ها و کشمکش‌های اجتماعی جنبه سیاسی یافتند؟ چگونه این جوامع از شکاف‌های اساسی و عمیق اجتماعی به احزاب سیاسی رهنمون گشتند؟ پاسخ به این پرسش‌ها علاوه بر تبیین نحوه پیدایش احزاب سیاسی، توضیح‌دهنده نظام‌های حزبی در اروپای غربی نیز می‌باشد.

۳- احزاب با رویکرد خرد(تفسیری)

در این رویکرد به‌جای اصالت ابزار و ورود ابزاری به دنیای اجتماعی جهت توصیف کمی گرایانه از آن، جهت‌گیری عملی دنبال می‌شود. مردم به‌صورت عملیاتی و در قالب زندگی روزمره دنیای اجتماعی را تولید و بازتولید می‌کنند. دستیابی به این دنیا که به‌صورت کامل عملی‌کنش محور ساخته‌شده است جز از طریق درگیری عملی محقق در زندگی روزمره امکان‌پذیر نیست. در این حالت است که محقق یک ابزار انسانی تحقیق به شمار می‌آید (ایمان، ۱۳۹۲: ۴۵). در رویکرد تفسیری احزاب با توجه به ویژگی‌هایی که دارند مانند تأکید بر باور تفسیر از سایر احزاب جدا می‌شوند. احزابی مانند احزاب توده‌گرای مذهبی با احزاب سکولار از نظر ایدئولوژی متفاوت هستند. از آنجا که مبنای برنامه‌های حزبی مجموعه‌ای از باورهای مذهبی است که توصیه‌ها و فرمان‌ها ایدئولوژیک به طور مستقیم به مسائل مذهبی مربوط است؛ حزب به‌طورکلی تحت کنترل فرمان‌ها و توصیه‌های ایدئولوژیک هسته مرکزی قرار دارد (مسائلی همچون سقط‌جنین، طلاق، تبعیضات جنسیتی، یا بعضی نمونه‌های میان‌هنری). درجایی که رهبران حزبی گرایش‌ها انتخاباتی حزب یا الزامات برنامه‌ای را به صورتی اصلاح کنند؛ یا شیوه‌ای را برگزینند که با این ارزش‌ها در تضاد باشد؛ این مسئله می‌تواند؛ منجر به تنش‌های فرا حزبی شود. گرایش‌ها این احزاب مبتنی بر تفسیر است به خصوص تفاسیر مذهبی از آنجایی که اعتقادات مذهبی ممکن است؛ در معرض تفاسیر گوناگون قرار گیرد؛ این امکان همیشه وجود دارد که عدم همخوانی بین احزاب توده‌ای - فرقه‌ای وجود داشته باشد که می‌توان به‌صورت دوره‌ای موجب جنگ و نزاع شود. برای احزاب بنیادگرا، جایگاه کوچک یا هیچ جایگاهی و تفسیرهای متعارض با هنجارهای مذهبی و کتاب مقدس که به‌عنوان مبنای برنامه حزب است؛ در نظر

گرفته نمی‌شود. این احزاب هر تعارضی با قوانینی که بر مبنای مذهب بر مردم وضع می‌شود را نمی‌پذیرند. اقتدار رهبران مذهبی برای تفسیر متن و ترجمه قوانین بدون چانه‌زنی است. از دیدگاه این نوع احزاب هیچ تفاوتی مابین مذهب و دولت و هنجارهای مذهبی برای همه شهروندان درون جامعه وجود ندارد. احزاب بنیادگرای مذهبی حمایت از خود را نه تنها از طریق تحریک دیدگاه‌ها و هویت مذهبی و ارائه سیاست‌های برگرفته از اصول مذهبی بلکه از طریق انگیزه‌های گزینش شده بسیج می‌کنند. این احزاب اغلب دامنه گسترده‌ای از اقدامات رفاهی اجتماعی را به اجرا می‌گذارند که برای تثبیت وفاداری اعضا به کار گرفته می‌شود. شبکه‌های حزبی خرده‌فرهنگ‌های متمایزی دارند و خدماتی را به اعضا درون مجموعه‌ای ارائه می‌دهند (شادلو، ۱۳۹۷: ۲۴۳).

جدول شماره ۳. ویژگی احزاب با رویکرد خرد

نظریه پرداز	مختصات احزاب با پارادایم تفسیری	نوع حزب	رویکرد
	محلی (قومی، مذهبی)		
	مبتنی بر تفسیر	مذهبی (مسیحی).	
	نماد اولیه (مذهبی، دینی)	یهود...	
کاوی «ماکس وبر»	انسان محور	کنگره‌ای	
(۲۰۰۳)	تعامل محور	قومی	
، هروویتز (۲۰۰۲)	تأکید بر معنا، باور، عقیده	انتخاباتی	خرد
، دیاموند (۲۰۰۳)	کنش مبتنی بر باور و تفسیر	سبز	
، فارل (۲۰۰۰)،	نسبی‌گرایی (در ساختار و نهاد)	زیست بومی	
ایگنازی (۱۹۹۸)	جاذبه شخصی (کاریزما)	سالمدان	
	معانی مشترک (دینی، قومی، محلی و...)	نخبگان	
	کمتر ساختاری		
	سرمایه فردی		

روش تحقیق

نوع روش‌شناسی تحلیل محتوای کیفی با رویکرد جهت‌دار در این مقاله متکی بر تحقیق کیفی است. تحقیق کیفی بیشتر توجه بر نظریه‌پردازی دارد تا اینکه نظریه آزمایی پردازد. محققان کیفی

در این باره به بلومر^۱ رجوع می‌کنند که مخالف استفاده از نظریه در پیش از پژوهش است. بلومر معتقد است در پژوهش کیفی باید به مفاهیم حساس شونده^۲ پرداخته می‌شود (ایمان، ۱۳۹۲: ۱۷). البته ارتباط با مفاهیم حساس به منزله دریافت یک نقشه راه است که محقق از بستر و میدان تحقیق به دست می‌آورد. در این پژوهش جهت‌دار بودن منوط به پیگیری مفاهیم پارادایمی در اساسنامه‌ها و برنامه‌های احزاب به معنای ایجاد ارتباط با مفاهیم حساس می‌باشد. در واقع ارتباط پارادایم‌های حاکم بر برنامه‌های احزاب و ادبیات و شیوه بیان برنامه‌های احزاب پرسشی است که مدنظر پژوهش است.

روش نمونه‌گیری

همان‌طور که ذکر شد سؤال پژوهش در تحلیل محتوا مشخص‌کننده جامعه آماری و به تبع آن نمونه می‌باشد که نمونه به صورت هدفمند و مناسب با پرسش انتخاب شده است. البته از میان ۲۴۰ حزب ثبت شده در اداره کل سیاسی وزارت کشور و احزابی قبل از انقلاب تعدادی حزب که نخبگان معتقد هستند؛ اکنون بیشتر قالب حزبی دارد و استانداردهای حزبی را رعایت نموده‌اند؛ انتخاب شده و برای این کار از فن دلفی استفاده شده است.

برای گردآوری داده‌ها (انتخاب احزاب) از پرسشنامه (۲ پرسشنامه به خبرگان سیاسی) استفاده شده است. هدف از پرسشنامه نخست دستیابی به توافق بر سر احزاب استخراج شده از ادبیات و سایر منابع از جمله وزارت کشور همچنین شناسایی عوامل جدیدی که در ادبیات به آن‌ها اشاره نشده است. هدف پرسشنامه دوم آن است که بر روی عواملی که توسط خبرگان در دور نخست پیشنهاد می‌شود؛ توافق به دست آید. بعد از مشخص شدن اوزان معیارهای انتخاب نوع حزب بر اساس معیارهای مشخص شده توسط نخبه‌های سیاسی صورت می‌گیرد. در ادامه پرسشنامه اول که با توجه به ادبیات تحقیق طراحی شد آورده شده است.

پرسشنامه ۱ در اختیار نخبگان سیاسی (اساتید علوم سیاسی و فعالان سیاسی) قرار گرفته شده و نظر خواهی صورت گرفت. بعد از چند بار بده و بستان پرسشنامه و اعمال نظر نخبگان پرسشنامه دوم در نهایت استخراج گردید که نتایج حاصل از آن احزاب مورد نظر هستند.

.....
1 . Blumer

2 . Sensitizing concepts

پرسشنامه شماره ۱ -

تربیت نیروی متخصص	کادرسازی	داشتن چهره شاخص	ایجاد جو مشارکت انتخاباتی	احزاب
امتیاز----	امتیاز----	امتیاز----	امتیاز----	انجمن اسلامی مهندسان
امتیاز----	امتیاز----	امتیاز----	امتیاز----	انجمن اسلامی مدرسین
امتیاز----	امتیاز----	امتیاز----	امتیاز----	جمهوری اسلامی
امتیاز----	امتیاز----	امتیاز----	امتیاز----	روحانیت مبارز
امتیاز----	امتیاز----	امتیاز----	امتیاز----	مؤتلفه اسلامی
امتیاز----	امتیاز----	امتیاز----	امتیاز----	کارگزاران اسلامی
امتیاز----	امتیاز----	امتیاز----	امتیاز----	انصار حزب الله
امتیاز----	امتیاز----	امتیاز----	امتیاز----	اعتدال و توسعه
امتیاز----	امتیاز----	امتیاز----	امتیاز----	مشارکت اسلامی
امتیاز----	امتیاز----	امتیاز----	امتیاز----	تحکیم وحدت

پرسشنامه ۲ احزاب و ویژگی های نهایی مستخرج طبق نظر نخبگان سیاسی هستند که دوباره این پرسشنامه در اختیار نخبگان قرار گرفت تا امتیازات خود را به احزاب و ویژگی های مذکور پیوست کنند. در مرحله بعد از امتیاز دادن نخبگان به احزاب و ویژگی های آنها به جمع آوری پرسشنامه ها و تحلیل آنها طبق تکنیک تاپسیس^۱ پرداخته شده است. نتایج حاصل در قالب ضریب نزدیکی در جدول و نمودار زیر آورده شده است. ضریب نزدیکی به محقق اعلام می کند که کدام حزب با توجه به ویژگی های مورد نظر نخبگان و ادبیات موجود بیشترین ویژگی حزب بودن (نزدیکی به حزب استاندارد) را دارا است.

1 . Topsis

پرسشنامه شماره ۲-

احزاب	جو مشارکت	چهره شاخص	کادرسازی	تربیت نیروی متخصص	نشریه روزنامه	واسطه‌گری
مهندسان ایران	امتیاز----	امتیاز----	امتیاز----	امتیاز----	امتیاز----	امتیاز----
مدرسین دانشگاه‌ها	امتیاز----	امتیاز----	امتیاز----	امتیاز----	امتیاز----	امتیاز----
جمهوری اسلامی	امتیاز----	امتیاز----	امتیاز----	امتیاز----	امتیاز----	امتیاز----
روحانیت مبارز	امتیاز----	امتیاز----	امتیاز----	امتیاز----	امتیاز----	امتیاز----
مؤتلفه اسلامی	امتیاز----	امتیاز----	امتیاز----	امتیاز----	امتیاز----	امتیاز----
کارگزاران اسلامی	امتیاز----	امتیاز----	امتیاز----	امتیاز----	امتیاز----	امتیاز----
انصار حزب‌الله	امتیاز----	امتیاز----	امتیاز----	امتیاز----	امتیاز----	امتیاز----
اعتدال و توسعه	امتیاز----	امتیاز----	امتیاز----	امتیاز----	امتیاز----	امتیاز----
مشارکت اسلامی	امتیاز----	امتیاز----	امتیاز----	امتیاز----	امتیاز----	امتیاز----
تحکیم وحدت	امتیاز----	امتیاز----	امتیاز----	امتیاز----	امتیاز----	امتیاز----
جامعه مهندسين	امتیاز----	امتیاز----	امتیاز----	امتیاز----	امتیاز----	امتیاز----
جامعه زنان	امتیاز----	امتیاز----	امتیاز----	امتیاز----	امتیاز----	امتیاز----
دانشگاهیان ایران	امتیاز----	امتیاز----	امتیاز----	امتیاز----	امتیاز----	امتیاز----
مردم‌سالاری	امتیاز----	امتیاز----	امتیاز----	امتیاز----	امتیاز----	امتیاز----

همانطور که ضرایب نزدیکی در جدول زیر نشان می‌دهند؛ احزاب کارگزاران با ضریب ۰/۶۱۰، مؤتلفه با ضریب ۰/۵۴۷، روحانیت مبارز با ضریب ۰/۴۷۵، از سمت نخبگان بر اساس میزان نزدیکی معیارهای انتخاب احزاب برگزیده شده‌اند.

جدول ۴. رتبه احزاب براساس ضریب نزدیکی

رتبه	حزب	ضریب نزدیکی
۱	کارگزاران	۰/۶۱۰
۲	موتلفه	۰/۵۴۷
۳	روحانیت مبارز	۰/۴۷۵



نمودار ۱. راداری رتبه بندی احزاب بر اساس ضریب نزدیکی

ایزار جمع اوری اطلاعات

در این تحقیق برخی اطلاعاتی که باید به عنوان داده مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار گیرند از پیش آماده هستند؛ که شامل: الف - اسناد احزاب در قالب اساسنامه و مرامنامه نیز است. ب - همچنین برای اولویت بندی احزاب نیز نیازمند استفاده از پرسشنامه جهت اجرا فرایند روش دلفی نیز است. ج - در ادامه نیز برای انجام فرایند تحلیل محتوا نیازمند مصاحبه عمیق با فعالان حزبی نیز است.

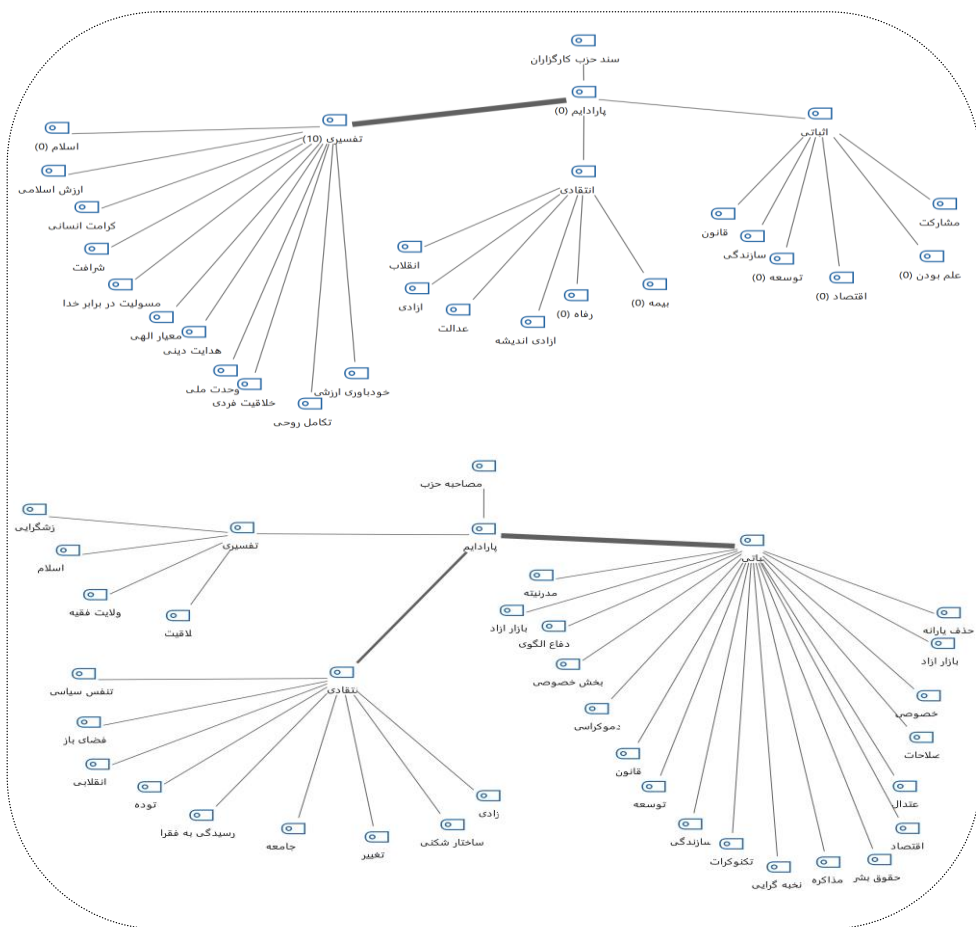
پ) تجزیه و تحلیل

ابتدا لازم است متن به واحدهای قابل کنترل و مدیریت از جمله به واحدهایی نظیر گزاره‌ها، عبارت‌ها، با بندها تبدیل شود و آن گاه بخش‌های بی‌ارتباط با مسئله با پرسش (های) پژوهش و یا

بخش‌های همپوشان کنار گذاشته شوند. مرحله‌ی بعد تقلیل زمانی است که پژوهشگر یک رویکرد نظام‌مند به داده‌ها را ساخت و پرداخت می‌کند؛ آن‌وقت فرایند تحلیل محتوا است و موجب دقت در این فرایند می‌شود. هدف‌های این مرحله‌ی تقلیل عبارت‌اند از: (۱) کاهش میزان داده‌های خام به حدی که برای پاسخ به پرسش‌های پژوهش مناسب باشد؛ (۲) تجزیه‌ی داده‌های موردنظر (هم پیاده شده‌ها و هم یادداشت‌ها) به مضمون‌های قابل مدیریت‌تر و بخش‌های مضمونی؛ (۳) باز سازمان‌دهی آن‌ها در مقوله‌ها به نحوی که به پرسش (های) پژوهش پرداخته شود (فورمن و دامشرودر، ۲۰۰۷: ۴۸). کدگذاری در فرایند تحلیل محتوای کیفی می‌تواند؛ به صورت روش کدگذاری در نظریه‌ی زمینه‌بنیاد باشد؛ اما کدگذاری مضمونی نیز در دستور کار قرار می‌گیرد و نحوه‌ی ساختاربنندی عنصرهای زبانی از طریق شناسایی، شمارش و تعیین نقش و قدرت آن‌ها تعیین می‌گردد. باید توجه شود که کدها باید در خصوص کل متن اعمال شود و در پایان فرایند کدگذاری، متن به گزارش‌های کدبندی تبدیل شده باشد وقتی به بخشی از متن کد تعلق می‌گیرد؛ بهتر است متن نیز به آن الحاق گردد تا در صورت لزوم از آن برای تحلیل بافت و نیز اطمینان آفرینی از درستی کار استفاده شود. در این پژوهش برای انجام مراحل کدگذاری از نرم‌افزار MAXQDA 2018 (12) استفاده شده است.

۱- حزب کارگزاران

طبق نمودارهای ارائه شده برخی ستون‌های اتصال پررنگ‌تر و بزرگ‌تر از سایر ستون‌ها هستند که نشان دهنده میزان فروانی مفاهیم است. در سند حزب کارگزاران میزان مفاهیم تفسیری و در مصاحبه‌های این حزب بعد اثباتی و انتقادی دارای خطوط پررنگ‌تر هستند. همان‌طور که نمودار نیز نشان می‌دهد؛ مفاهیم استفاده شده در مرامنامه همچون اسلام، کرامت انسانی، خلاقیت، ولایت فقیه به صورت کامل دارای جهت‌گیری تفسیری هستند. اصطلاحاتی چون آزادی، تغییر، ساختار شکنی نیز وجه انتقادی را به نوعی نمایانگر می‌باشند. همچنین در نمودار اقتصاد توسعه، سازندگی و قانون رویکرد اثباتی را به ذهن متبادر می‌کنند. اما در بحث مصاحبه با فعالان بیشتر مفاهیم بازار آزاد، خصوصی سازی، اصلاحات، توسعه و قانون اشاره شده است. که کامل دارای رویکردی اثباتی هستند. همچنین مفاهیمی چون ساختار شکنی، رسیدگی به توده مردم، انقلابی‌گری نیز دارای رویکردی انتقادی هستند.

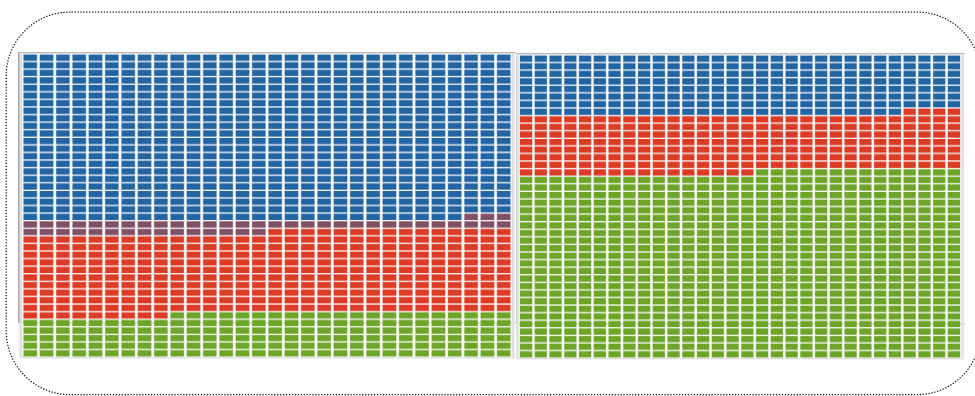


نمودار ۲. تحلیل محتوای کیفی جهت دار مرامنامه و مصاحبه حزب کارگزاران

جدول ۵. تحلیل محتوای کیفی مرامنامه و مصاحبه حزب کارگزاران

حزب کارگزاران			مرامنامه		
مصاحبه		رویکرد	مرامنامه		رویکرد
درصد فراوانی	فراوانی		درصد فراوانی	فراوانی	
۷۴/	۱۱۶	اثباتی	۲۷/	۱۰	اثباتی
۱۴/	۲۱	انتقادی	۲۴/	۹	انتقادی
۱۲/	۱۹	تفسیری	۴۹/	۱۸	تفسیری
۱۰۰/	۱۵۶	مجموع	۱۰۰/	۳۷	مجموع

طبق نتایج میزان فراوانی کلی در مرامنامه حزب کارگزاران ایران ۳۷ مورد است که حدود ۱۸ مورد معادل ۴۹٪ از مفاهیم دارای جهت گیری تفسیری است که شامل بیشترین میزان فراوانی است. همچنین مفاهیمی با رویکرد انتقادی با میزان فراوانی ۹ مورد معادل ۲۴٪ در مرتبه سوم و رویکرد اثباتی با فراوانی ۱۰ مورد در جایگاه دوم قرار گرفته است. در بخش مصاحبه نیز بر عکس مرامنامه رویکرد اثباتی با ۷۴٪ بیشترین مقدار فراوانی را دارا است و بعد از آن رویکرد انتقادی با فراوانی ۲۱ مورد معادل ۱۴٪ در درجه دوم است. رویکرد تفسیری نیز دارای کمترین میزان فراوانی با ۱۹ مورد در رتبه آخر مصاحبه قرار گرفته است.



نمودار ۳. فراوانی تصویری portrait مرامنامه و مصاحبه حزب کارگزاران
(سمت راست مرامنامه، سمت چپ مصاحبه)

در آنالیز مرامنامه حزب کارگزاران ایران با نرم افزار maxqda به بررسی سند از لحاظ فراوانی با توجه به نقشه portrait پرداخته شده است. همانطور که نمودار نشان می دهد؛ میزان فراوانی بعد خرد و تفسیری (رنگ سبز) در مرامنامه بسیار بیشتر از مصاحبه رویت می شود بعد انتقادی (رنگ قرمز) نیز در مصاحبه نسبت به مرامنامه بیشتر است. اما بعد اثباتی (رنگ آبی) هم در مصاحبه فراوانی بیشتری نسبت به سند مرامنامه را دارا است. همین میزان فراوانی نشان می دهد؛ همراستایی بین سند مرامنامه و گرایشاتی که فعالان این حزب در مصاحبه بیان کردند وجود ندارد.

در بررسی سند با نرم افزار maxqda 2018 به اندازه گیری میزان فراوانی مفاهیم با بیش از دو تکرار و درصد تکرار در کل سند به همراه رتبه مفهوم استخراج شده پرداخته شده است. طبق نتایج بیشترین مفهوم به کار برده شده در سند رویکردی تفسیری دارد. اصطلاح خلاقیت در تعیین

سرنوشت دارای بیشترین میزان فراوانی و معادل ۵.۵ درصد از مفاهیم را به خود اختصاص داده است. در ادامه مفاهیم انتقادی چون مبارزه با استبداد و خود سازی انقلابی با ۴.۴۱ درصد و ۳.۸۶ درصد در رتبه های بعد قرار گرفته اند.

جدول ۶. فراوانی مفاهیم در سند مرامنامه (حداقل با دو تکرار)

رتبه مفهوم در سند	درصد مفهوم در سند مرامنامه	فراوانی	مفهوم مستخرج
۱	۱۵.۵	۱۵	خلاقیت در تعیین سرنوشت
۲	۴۱.۴	۶	مبارزه با استبداد
۳	۶۸.۳	۵	خود سازی انقلابی
۴	۲۷.۱	۲	گسترش آزادی
۵	۴۷.۱	۲	ریشه کن کردن فقر
۷	۴۷.۱	۲	مبارزه با مادی گرایی

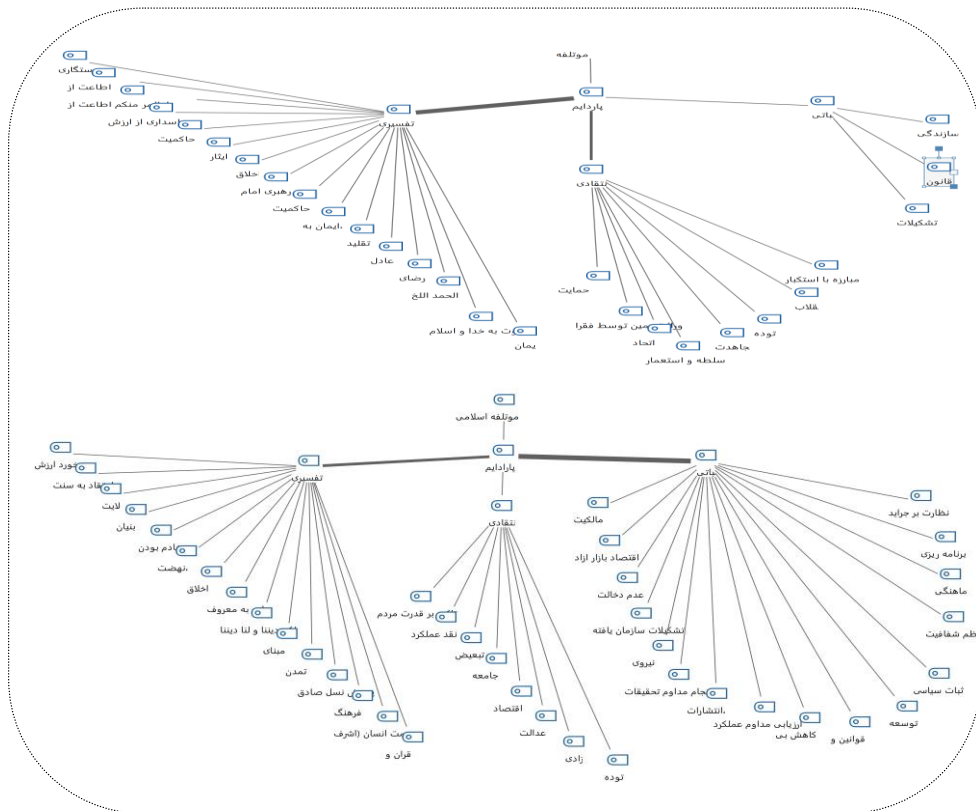
جدول ۷. فراوانی مفاهیم در مصاحبه (حداقل با دو تکرار)

رتبه مفهوم در سند	درصد مفهوم در سند مصاحبه	فراوانی	مفهوم مستخرج
۱	۹۳.۸	۱۵	اقتصاد
۲	۷۴.۷	۱۳	مذاکره
۳	۱۴.۷	۱۲	توسعه
۴	۳۶.۵	۹	اعتدال
۵	۱۷.۴	۷	خصوصی سازی
۷	۱۷.۴	۷	نخبه گرایی
۸	۳.۵۷	۶	سازندگی

همانطور که جدول نشان می دهد اقتصاد با بیشترین میزان فراوانی رتبه اول با درصد ۸.۹۳ از ۱۰۰ در کل سند به خود اختصاص داده است و مذاکره با فراوانی ۱۳ مورد و درصد ۷.۷۴ در جایگاه دوم قرار گرفته است. در ادامه «توسعه» از دیگر مفاهیم با رویکرد اثباتی استخراج شده در جایگاه سوم با درصد ۷.۱۴ قرار گرفته است. مفاهیمی چون گسترش اعتدال، خصوصی سازی و نخبه گرایی در رتبه های بعدی قرار گرفته اند.

۲- حزب مولفه اسلامی

طبق نمودار مفاهیم تفسیری و انتقادی بیشتر در مرامنامه حزب مولفه هستند اما در مصاحبه اثباتی و تفسیری دارای بیشترین مفاهیم می باشند. خطوط رسم شده در نمودار به خوبی این موضوع را نشان می دهد.



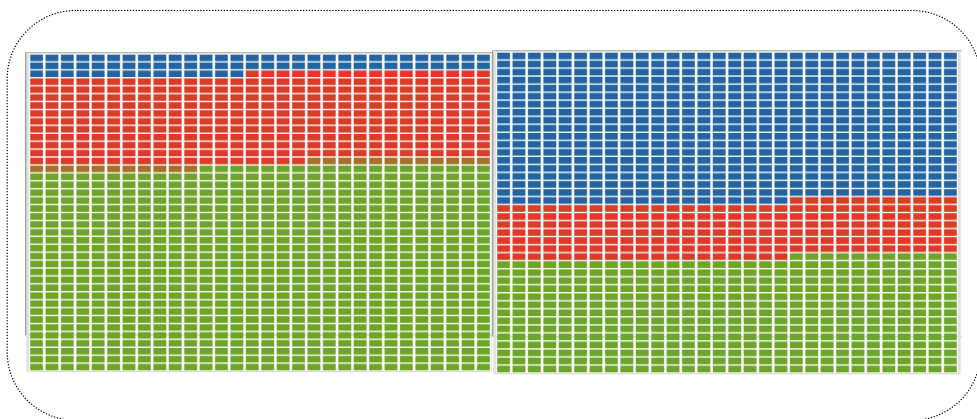
نمودار ۴. تحلیل محتوا کیفی مرامنامه (بالا) مصاحبه (پایین) حزب مولفه اسلامی

در مرامنامه حزب مولفه اسلامی ابتدا به بررسی و تحلیل رویکرد اثباتی پرداخته می شود. برای انجام تحلیل طبق روال از نرم افزار مکس کیودا استفاده شده است. همانطور که نمودار نشان می دهد ایثار، رهبری، حاکمیت اسلامی، ایمان، تقلید در بعد تفسیری استفاده شده است و از مفاهیمی مثل مبارزه با استکبار، انقلاب، توده ها نیز، رویکردی انتقادی برداشت می شود. در بعد اثباتی نیز مفاهیم ناچیزی چون تشکیلات، سازندگی و قانون نیز استفاده شده است.

جدول ۸. تحلیل محتوای کیفی مرامنامه حزب موتلفه

حزب موتلفه					
مصاحبه			مرامنامه		
درصد فراوانی	فراوانی	رویکرد	درصد فراوانی	فراوانی	رویکرد
۵۱٪	۸۰	اثباتی	۸٪	۷	اثباتی
۲۳٪	۳۶	انتقادی	۲۷٪	۲۲	انتقادی
۲۶٪	۴۰	تفسیری	۶۵٪	۵۴	تفسیری
۱۰۰٪	۱۵۶	مجموع	۱۰۰٪	۸۳	مجموع

طبق نتایج میزان فراوانی کلی در مرامنامه حزب موتلفه ۸۳ مورد است که حدود ۷ مورد معادل ۸٪ از مفاهیم دارای جهت گیری اثباتی است. همچنین مفاهیمی با رویکرد انتقادی با میزان فراوانی ۲۲ مورد معادل ۲۷٪ در مرتبه دوم و رویکرد تفسیری با فراوانی ۵۴ مورد فراوانی در جایگاه اول قرار گرفته است؛ که شامل بیشترین میزان فراوانی است. در بررسی مصاحبه با فعالان رویکرد اثباتی با ۸۰ مورد فراوانی معادل ۵۱٪ بیشترین میزان مفاهیم را به خود اختصاص داده است و رویکرد تفسیری با ۴۰ مورد معادل ۲۶٪ در رده دوم و رویکرد انتقادی با ۳۶ مورد در رده سوم قرار گرفته است. مثل حزب کارگزاران حزب موتلفه از پارادایم مشخصی استفاده نکرده است و از همه مفاهیم پارادایمی بهره برده است. این در حالی است که هم راستایی نیز در بین مفاهیم سند مرامنامه و گرایشاتی که در مصاحبه داشته اند وجود ندارد.



نمودار ۵. فراوانی تصویری portrait مرامنامه (سمت چپ) مصاحبه (سمت راست) حزب موتلفه اسلامی

در آنالیز مرامنامه حزب کارگزاران با نرم افزار maxqda به بررسی سند از لحاظ فراوانی با توجه به نقشه portrait پرداخته شده است. همانطور که نمودار سمت چپ نشان می دهد؛ میزان فراوانی بعد خرد و تفسیری (رنگ سبز) بیشتر از ابعاد انتقادی (رنگ قرمز) و بعد اثباتی (رنگ آبی) است. همین میزان فراوانی در نمودار سمت راست نیز کامل برعکس است. در واقع شاهد همراستایی پارادایمی سند مرامنامه و مصاحبه فعالان حزبی نیست.

جدول ۹. فراوانی مفاهیم در سند مرامنامه (حداقل با دو تکرار)

مفهوم مستخرج	فراوانی	درصد مفهوم در سند مرامنامه	رتبه مفهوم در سند
تقلید	۱۳	۱۷.۱۱	۱
رستگاری	۷	۲۱.۹	۲
انقلاب	۵	۵۸.۶	۳
ارزش اسلامی	۳	۹۵.۳	۴
حاکمیت اسلامی	۲	۶۳.۲	۵
ایمان	۲	۶۳.۲	۶

طبق نتایج حاصل از رتبه بندی مفاهیم استفاده شده توسط نرم افزار maxqdo شاهد فراوانی مفاهیمی با رویکردی تفسیری همچون تقلید با فراوانی ۱۳ مورد با ۱۷.۱۱ درصد و رستگاری با ۷ مورد فراوانی با ۲۱.۹ درصد است. هر چند مفهومی چون انقلاب با رویکردی انتقادی با ۶.۵۸ درصد فراوانی در جایگاه سوم قرار گرفته است. بعد از آن مفاهیمی چون ارزش اسلامی و حاکمیت اسلامی که رویکردی تفسیری دارند؛ قرار گرفته است.

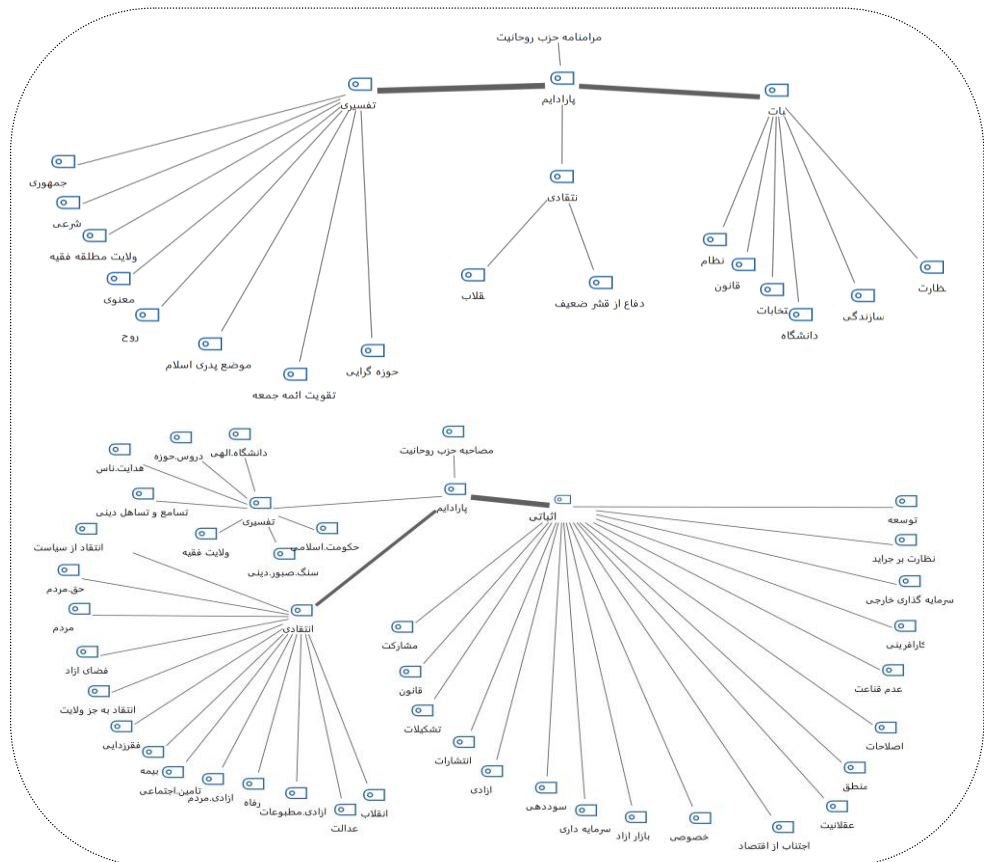
جدول ۱۰. فراوانی مفاهیم در مصاحبه (حداقل با دو تکرار)

مفهوم مستخرج	فراوانی	درصد مفهوم در سند مصاحبه	رتبه مفهوم در سند
شفافیت	۷	۳.۳۷	۱
اقتصاد و بازار آزاد	۶	۸۸.۲	۲
تشکیلات منظم	۶	۸۸.۲	۳
توده	۵	۴۰.۲	۴
عدالت	۴	۹۲.۱	۵
تمدن اسلامی	۴	۹۲.۱	۶
نیروی متخصص	۴	۱.۹۲	۷

در ادامه به بررسی مصاحبه فعالان حزب موتلفه پرداخته شده است؛ مفهوم شفافیت با فراوانی ۷ مورد و درصد ۳.۳۷ دارای رتبه اول در مرانامه حزب موتلفه دارد. همچنین اقتصاد بازار آزاد با فراوانی ۶ مورد معادل ۲.۸۸ درصد در رتبه دوم و مفهوم تشکیلات منظم با فراوانی ۶ مورد در سند دارای ۲.۸۸ درصد و رتبه سوم است. مابقی مفاهیم با فراوانی ۴ مورد دارای درصد ۱.۹۲ و دارای رتبه‌های بعدی هستند.

۳- روحانیت مبارز

در سند مرانامه حزب روحانیت مبارز بعد تفسیری و اثباتی با بیشترین مقدار مفاهیم دارای خطوط پررنگتر در مرانامه هستند و در مصاحبه نیز اثباتی و انتقادی دارای بیشترین مفاهیم استخراج شده هستند.



نمودار ۶. تحلیل محتوا کیفی مرانامه (بالا) مصاحبه (پایین) حزب روحانیت مبارز

در بررسی مرامنامه حزب روحانیت مبارز استفاده از مفاهیمی چون جمهوری اسلامی، ولایت مطلقه فقیه، روح، معنویت قابل درک است که جنبه تفسیری از آن‌ها متبادر است. همچنین مفاهیمی چون دفاع از قشر ضعیف مفاهیم انتقادی را می‌رساند.

جدول ۱۱. تحلیل محتوای کیفی مرامنامه حزب روحانیت مبارز

حزب روحانیت مبارز					
مصاحبه			مرامنامه		
درصد فراوانی	فراوانی	رویکرد	درصد فراوانی	فراوانی	رویکرد
۴۵٪	۶۴	اثباتی	۲۵٪	۱۱	اثباتی
۳۱٪	۴۴	انتقادی	۲۳٪	۱۰	انتقادی
۲۳٪	۳۴	تفسیری	۵۲٪	۲۲	تفسیری
۱۰۰٪	۱۴۲	مجموع	۱۰۰٪	۴۳	مجموع

طبق نتایج حاصل از بررسی مرامنامه و مصاحبه حزب روحانیت مبارز بیشترین میزان فراوانی در مرامنامه شامل بعد تفسیری با فراوانی ۲۲ مورد معادل ۵۲٪ درصد است. همچنین ابعاد اثباتی و تفسیری به ترتیب با ۲۵٪ و ۲۳٪ در رتبه دوم و سوم قرار می‌گیرند. در بررسی مصاحبه با فعالان حزبی رویکرد اثباتی دارای بیشترین فراوانی با ۶۴ مورد معادل ۴۵٪ است و بعد انتقادی و تفسیری به ترتیب با ۳۱٪ و ۲۱٪ درصد در رتبه های بعدی قرار گرفته اند. نتایج نشان می‌دهد؛ همراستایی بین گرایشات فعالان حزبی ناشی از مصاحبه‌ها با مرامنامه حزب وجود ندارد؛ بلکه برعکس است.



نمودار ۲. فراوانی تصویری portrait مرامنامه (سمت چپ) مصاحبه (سمت راست) حزب روحانیت مبارز

همانطور که نمودار نشان می دهد؛ در مرامنامه و متن آن تأکیدی زیادی بر بعد تفسیری شده است؛ اما در مصاحبه ها فعالان حزبی تأکید زیادی بر ابعاد اثباتی دارند. همچنین بعد انتقادی در مصاحبه ها دارای فراوانی بیشتری است؛ در حالی که بعد انتقادی در مرامنامه در رتبه آخر است.

جدول ۱۲. فراوانی مفاهیم در سند مرامنامه (حداقل با دو تکرار)

رتبه مفهوم در سند	درصد مفهوم در سند مرامنامه	فراوانی	مفهوم مستخرج
۱	۹۳.۸	۶	ولایت مطلقه فقیه
۲	۸۱.۷	۵	موازن شرع
۳	۶۹.۴	۳	انقلاب
۴	۶۹.۴	۳	قشر ضعیف
۵	۱۳.۳	۲	موضع پدری اسلام
۶	۱۳.۳	۲	حوزوی گرایی

در بررسی مفاهیم با استفاده از maxqdo مفهوم ولایت مطلقه فقیه با شش فراوانی معادل ۹۳.۸ درصد در رتبه نخست قرار دارد و موازن شرع با ۵ فراوانی و ۷۸.۱ درصد در رتبه دوم قرار گرفته است. دو مفهوم نخست دارای جهت گیری تفسیری در مرامنامه هستند و انقلاب و قشر ضعیف دارای رویکردی انتقادی هستند؛ زیرا مفهومی مربوط به طبقه و تحول خواهی را به ذهن متبادر می کنند.

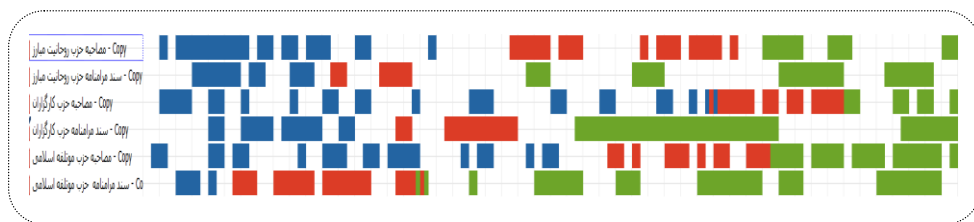
جدول ۱۳. فراوانی مفاهیم در مصاحبه (حداقل با دو تکرار)

رتبه مفهوم در سند	درصد مفهوم در سند مصاحبه	فراوانی	مفهوم مستخرج
۱	۹۸.۰	۱۵	ولایت مطلقه فقیه
۲	۵۰.۸	۱۳	توسعه
۳	۲۳.۵	۸	انقلاب
۴	۹۲.۳	۶	مشارکت
۵	۹۲.۳	۶	هدایت ناس
۶	۹۶.۱	۳	جذب سرمایه گذاری
۷	۱.۹۶	۳	مردم سالاری

دوباره در مصاحبه‌ها نیز مفهوم ولایت مطلقه فقیه دارای بیشترین فراوانی و تاکید بیشتر نسبت مرامنامه است. میزان فراوانی ۱۵ مورد معادل ۹۸۰ در رتبه اول است و بعد از آن توسعه با رویکردی اثباتی و ۱۳ مورد فراوانی معادل ۸۵۰ در رتبه دوم قرار گرفته است. در رتبه‌های بعد مفهوم انقلاب و مشارکت به ترتیب مفاهیم انتقادی و اثباتی را به ذهن متبادر می‌کنند.

نتیجه‌گیری

هدف اصلی پژوهش ارزیابی پارادایمی مرامنامه و مصاحبه فعالان حزبی (روحانیت مبارز، کارگزاران، مولفه اسلامی) در استفاده از پارادایم‌های غالب علم است. بر این اساس از نتایج چنین برآورد می‌شود که در حزب کارگزاران اسلامی شاهد تفوق جهان بینی تفسیرگرایانه در مرامنامه هستیم که بعد از آن مفاهیم انتقادی و اثباتی تقریبی برابر قرار گرفته‌اند. اما در مصاحبه‌ها تفوق ابعاد اثباتی نسبت به بعد تفسیری و انتقادی در مرامنامه حزب کارگزاران قابل درک است. در مصاحبه‌های صورت گرفته؛ بعد اثباتی دارای بیشترین فراوانی است و بعد انتقادی و تفسیری مراتب بعدی قرار دارند. چیزی که قابل تامل است عدم هم‌نوایی و هم‌راستایی مصاحبه فعالان با متن مرامنامه حزب مورد نظر است. در حزب مولفه اسلامی نیز به صورت مجدد عدم هم‌نوایی و هم‌راستایی پارادایمی بین مصاحبه با فعالان احزاب و متن مرامنامه درک می‌شود. در مرامنامه بیشترین فراوانی مربوط به بعد تفسیری است و بعد از بعد انتقادی و اثباتی قرار گرفته است. در حالی که در مصاحبه‌ها بعد اثباتی دارای بیشترین فراوانی است و بعد از آن بعد تفسیری و بعد انتقادی قرار دارد. حزب روحانیت مبارز نیز همانند دو حزب دیگر عدم هم‌راستایی بین مبانی پارادایمی مرامنامه و مصاحبه وجود دارد. در مصاحبه مبانی اثباتی دارای بیشترین فراوانی هستند و بعد از آن رویکرد انتقادی و بعد تفسیری قرار دارند. اما در مرامنامه بعد تفسیری بسیار پررنگ است و در مرتبه دوم بعد اثباتی قرار دارد؛ در واقع به نوعی برعکس مصاحبه ابعاد قرار گرفته‌اند.



نمودار ۸. تصویری مقایسه سه حزب کارگزاران و مولفه اسلامی و روحانیت مبارز

همانطور که نمودار هم نشان می دهد؛ میزان فراوانی و استفاده از مفاهیم اثباتی، تفسیری و انتقادی به تفکیک مرامنامه و مصاحبه مشخص شده است. در بررسی توسط maxqda مشخص شد که در مصاحبه های تمام احزاب بعد تفسیری با رنگ سبز دارای فراوانی بیشتری است. اما بعد اثباتی که با رنگ آبی مشخص است دارای بیشترین فراوانی در مصاحبه ها است. بعد انتقادی با رنگ قرمز نیز به صورت تقریبی در همه ابعاد مصاحبه و متن مرامنامه در حالتی متعادلی وجود دارد.

برنامه های احزاب در قالب مرامنامه و مصاحبه های صورت گرفته، تابع پارادایم مشخصی نیستند. متناسب با این تابع نبودن ادبیات مورد استفاده آنها نیز تابع پارادایم شکل نگرفته است؛ به نوعی شاهد خلط پارادایمی در برنامه ای احزاب و مصاحبه های فعالان حزب هستیم. متناسب با خلط پارادایمی در احزاب و گسترش آن در برنامه ها و مرامنامه های احزاب هماهنگی و سازگاری بین برنامه های احزاب و جنبه های مختلف برنامه حزب کاهش پیدا می کند. چه بسا در مواردی در تضاد با یکدیگر قرار دارند؛ چیزی که حائز اهمیت است؛ ضرورت وجود مبانی پارادایمی مشخص تا موجبات طراحی ساختار و مدیریت نظام سیاسی و اجتماعی را فراهم کند. تبعیت نکردن از پارادایم مشخص و به تبع آن بروز خلط پارادایمی فضای سیاست حزبی را مبهم می کند و فعالان حزبی بر اساس نظر و تجربه شخصی در امور سیاسی و اجتماعی فعالیت های سیاسی و اجتماعی را پیش می برند. در صورتی که برای هدایت با ثبات باید مباحث نظری منتج از پارادایم مشخص بر فضای سیاسی احزاب حاکم باشند. پیامد این وضعیت در سطوح سیاسی سازمان نیافتگی و از نداشتن قابلیت پیش بینی در عرصه سیاست است که این امر موجب بروز شرایط ناپایدار در نظام سیاسی می گردد. شرایط پایدار منوط به وجود ساختار و نظام عقلانی است که این نظام از پارادایم مشخص منبعث می گردد. در شرایط تبعیت نکردن از پارادایم شفاف و معین، نظام سیاسی فضای خالی نظریه برای هدایت نظام سیاسی احزاب را به تجارب و سلايق فرد و گروهی در قالب زندگی روزمره می دهد که سهم خلاقیت نسبت به وجود عقلانیت در آن بیشتر است. در این حالت حیات سیاسی مبتنی بر خلاقیت نتیجه ای جز ناپایداری ندارد. ناپایداری موجود در سطح سیاسی زمینه را برای حالاتی از کنش افراد به صورت عملی فراهم می کند که مبتنی بر رقابت، ستیز در عالم سیاست است که در شدید ترین حالت حذف حزب مقابل را نیز به دنبال دارد. شرایط سیال زاینده ی محوریت خلاقیت در عالم احزاب سیاسی است. برای برون رفت از این شرایط لازم است؛ محوریت از خلاقیت بر عقلانیت تغییر کند. با این تفاسیر گام نخست برای تغییر شرایط از ناپایداری و سیالیت به پایداری و عقلانیت تبعیت از یک

پارادایم مشخص است که متناسب با پیروی از یک پارادایم مشخص مسیرهای رسیدن به یک چهارچوب نظری، نظریه و در نهایت بستر سیاسی پایدار در جهت ایجاد ثبات ممکن می‌شود. برنامه‌های احزاب ایران دارای سه بعد پارادایمی هستند که توامان با یکدیگر در برنامه و مصاحبه‌های احزاب زیست می‌کنند. مفاهیمی چون نظم، کنترل، پیش‌بینی، ثبات از جمله مواردی هستند که در کنار مفاهیم دیگری همچون باور، اعتقاد، دیانت قراردارند. البته در کنار دو دسته از مفاهیم ذکر شده مفاهیمی انتقادی چون تحول خواهی، تغییر، عدالت، طبقه و مواردی از این دست وجود دارد. هر کدام از این مفاهیم از پارادایم مشخصی حاصل می‌شود که حضور توامان این مفاهیم با یکدیگر در قالب یک برنامه منجر به تبعیت نکردن از پارادایم مشخص، ایجاد خلط پارادایمی و از طرفی ایجاد نشدن سازگاری پارادایمی بین جنبه‌های مختلف برنامه‌های حزب همچون سیاست، فرهنگ و اقتصاد است. مجموعه این شرایط منجر به ناپایداری و از دست دادن قدرت پیش‌بینی می‌گردد که به طبع آن هرج و مرج و کشمکش بر فضای سیاسی حزب حاکم می‌گردد و حزب برای بقای حیات خود از توان درونی افراد حاضر در حزب چون تجارب، سلايق فردی بهره می‌برد که این امر موجب تکثر و خلاقیت در حزب و برنامه‌ها می‌گردد. همه این موارد در سطح عمل حزب آشکار می‌گردد. مقوم رفتارهایی است که برگرفته از شرایط ناپایداری از وجود یک پارادایم مشخص است تا اینکه از شرایط باثبات پدید آمده باشند. به نوعی رفتارهایی از قبیل رقابت‌جویی ناسالم، ستیزه‌گرایی، حذف رقیب و مواردی از این قبیل در شرایط سیاسی حزبی نتیجه نبود پارادایم شفاف و مشخص است.

منابع

الف- منابع فارسی

- ایوبی، حجت‌الله (۱۳۷۹). *پیدایش و پایایی احزاب سیاسی غرب*. تهران، ایران: نشر سروش.
- بشیریه، حسین (۱۳۷۴). *دولت عقل*، تهران، نشر علم نوین، *شناسنامه احزاب و تشکل‌های جمهوری اسلامی ایران* (۱۳۷۷)، اداره کل سیاسی کشور، دبیرخانه کمیسیون ماده ۱۰ احزاب، تهران، ایران: انتشارات کمیل، چاپ اول.
- ایمان، محمدتقی (۱۳۹۲)، *ارزیابی پارادایمی برنامه توسعه جمهوری اسلامی*، ایران، تهران: نشر حوزه و دانشگاه.

- میرمحمد، داود (۱۳۸۰) «رهیافت نظری تحلیل رقابت سیاسی و وفاق اجتماعی در ایران». مجله مطالعات ملی، ۳۰(۹)، ۷۲-۹۹.
- غیاسی، محمد (۱۳۹۵)، «توسعه سیاسی و جامعه‌شناسی سیاسی در بستر تحولات اجتماعی». مجله پژوهش ملل، ۲(۱۴)، ۲۰-۳۵.
- نقیب زاده، احمد، سلیمانی، غلامعلی (۱۳۸۸)، «نوسازی سیاسی و شکل‌گیری احزاب در جمهوری اسلامی ایران». مجله سیاست، ۱۴(۱۲)، ۳۴۷-۳۶۸.
- شادلو، عباس (۱۳۹۶). مبانی نظری احزاب سیاسی، تهران. ایران: نشر وزرا .
- معینی پور، مسعود (۱۳۸۸)، «بررسی تطبیقی الگوی توسعه سیاسی هانتینگتون با الگوی رشد سیاسی در جامعه مهدوی»، مجله مشرق موعود، ۳(۱۲)، ۷۹-۱۰۶.
- مرتضویان، سید علی (۱۳۹۵). «مشارکت سیاسی و نهاد مندی احزاب توده‌گرا در کشورهای جهان سوم»، مطالعات روابط بین ملل، ۹(۳۶)، ۱۳۹-۱۶۴.
- قلجی، حمید (۱۳۹۳)، «بازشناسی ناکارآمدی احزاب سیاسی در ایران بر اساس نظریه زمینه‌ای»، رهیافت انقلاب اسلامی، ۸(۲۹)، ۴۳-۶۶.

ب- منابع انگلیسی

- Bartolini, Stefano. & Mair, Peter. (2001). Challenges to contemporary political parties. *Political parties and democracy*, 327.
- Forman, Jane. & Damschroder, Laura. (2007). Qualitative content analysis. In *Empirical methods for bioethics*. pp. 39-62.
- Ockey, James. (2003). Change and continuity in the Thai political party system. *Asian Survey*, 43(4), 663-680.
- Benoit, Kenneth. & Laver, Michael. (2007). Estimating party policy positions: Comparing expert surveys and hand-coded content analysis. *Electoral Studies*, 26(1), 90-107.
- Bourdieu Pierre. (1991) *Language and Symbolic Power*, Cambridge: Harvard University Press.

- Bouredieu Pierre. (1996) *The State Nobility. Elite Schools in the Field of Power*, Cambridge: Polity Press.
- Diamond, Larry. & Gunther, Richard. (Eds). (2001). *Political parties and democracy*. JHU Press.
- Charlot, Jean. (1971). *Le phénomène gaulliste*. Allen & Unwin Australia p 63-65.
- Duverger, Maurice. (1965). *Institutions politiques*. Presses Universiteires de France.p608.
- Duverger, Maurice. & Stevenson, J. (1955). *Droit constitutionnel et institutions politiques* (p. 67). Presses universitaires de France.
- Eldersveld, Samuel. J. (1964). *Political parties: A behavioral analysis*.p613.
- Farrell, David. M. & Webb, Paul. (2000). Political parties as campaign organizations. *Parties without partisans: Political change in advanced industrial democracies*, 102-128.
- Horowitz, Donald. L. (2001). *Ethnic groups in conflict, updated edition with a new preface*. Univ of California Press.pp294.
- Ignazi, Piero. (1996). The crisis of parties and the rise of new political parties. *Party Politics*, 2(4), 549-566.
- Lawson, Kay. & Merkl, P. H. (Eds). (2014). *When parties fail: emerging alternative organizations*. Princeton University Press.
- Park, Junpyo. (2018). Changes in political party systems arising from conflict and transfer among political parties. *Chaos: An Interdisciplinary Journal of Nonlinear Science*, 28(6), 061105.
- Ringel, Leopold. (2018). Unpacking the Transparency-Secrecy Nexus: Frontstage and backstage behaviour in a political party. *Organization Studies*, 0170840618759817.
- Rokkan, Stein. (2009). *Citizens, elections, parties: Approaches to the comparative study of the processes of development*. ECPR Press.p470.